

تحول ناشی از آموزش بر مبنای الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی

سید محمود طباطبایی^۱، رضا رامی^۲، کیوان عزیزی^۳، زهرا پرویزنیا^۴، مسعود عظمی^۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی و مقایسه آن با الگوی تدریس سنتی انجام گرفته است. این مطالعه به روش نیمه آزمایشی و با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه اول شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۱۳۹۵ بود. به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد ۶۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت از آزمون سنجش خلاقیت تورنس (فرم ب) و راهنمای استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و آزمون تحلیل کواریانس انجام شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات خلاقیت دانش‌آموزان گروه آزمایش که از تدریس بدیعه‌پردازی برای آموزش آن‌ها استفاده شده بود به شکل معنی‌دار آماری از گروه کنترل که به شکل متداول آموزش دیده بودند در پس‌آزمون، بیشتر بود ($p=0/001$). همچنین بین میانگین نمرات گروه‌های آزمایش و کنترل در تمام خرده‌مقیاس‌های تفکر خلاق (سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف‌پذیری)، تفاوت معنی‌دار آماری یافت شد ($p<0/05$).

کلید واژه‌ها: الگوی تدریس، روش بدیعه‌پردازی، خلاقیت، درس انگلیسی، دانش‌آموزان.

^۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، کارمند دانشگاه فرهنگیان پیشوا، تهران. ایران.

^۲. کارشناس ارشد مدیریت برنامه‌ریزی درسی، دانش‌آموخته دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.

^۳. دکتری زبان انگلیسی، دبیر آموزش و پرورش سرپل ذهاب، کرمانشاه.

^۴. کارشناس ارشد آمار ریاضی، دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول، Zahra.parviznia@yahoo.com

^۵. مدیرعامل زبان‌های خارجی مدبران کرج.

مقدمه

تمدن بشر، مرهون اندیشه خلاق^۱ وی بوده است و دوام آن نیز بدون بهره‌گیری از خلاقیت^۲ غیرممکن خواهد بود و این عالی‌ترین عملکرد ذهن انسان به شمار می‌رود. در وضعیت کنونی، خلاقیت نه تنها یک ضرورت بلکه شرط اساسی برای بقاست (درزی رامن‌دی، عصاره و جراره، ۱۳۹۳). برای خلاقیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است، آزوبل^۳ در این زمینه می‌گوید: خلاقیت یکی از مبهم‌ترین و مغشوش‌ترین اصطلاحات در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت امروز است (کاستلو^۴، ۲۰۰۸).

تورنس^۵ (۱۹۷۹) خلاقیت را به حاصل وقوع انفجارات بیش درونی افراد تعبیر می‌کند. در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد.

فورد^۶ (۲۰۱۰) خلاقیت را یک مهارت می‌داند که می‌توان آن را در مدارس آموزش داد و بسیاری از مشکلات جامعه در آینده به وسیله دانش‌آموزان همین مدارس خلاق، حل خواهد شد.

گلیفورد^۷ (۱۹۶۷) چهار عنصر را برای خلاقیت برشمرده است که ماهیتی آموزشی دارند: سیالی^۸، انعطاف‌پذیری^۹، ابتکار^{۱۰} و بسط^{۱۱}. عنصر سیالی به کمیت یا تعداد ایده‌ها، انعطاف‌پذیری به تنوع و گوناگونی ایده‌ها، ابتکار به منحصر به فرد بودن یا غیر معمولی بودن ایده‌ها و بسط به جزئیات ایده‌ها مربوط می‌شود. مرور پژوهش‌های خلاقیت نیز بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود (یعنی سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط) تحت

¹ Creative ideas

² Creativity

³ Azobel

⁴ Costello

⁵ Torrance

⁶ foord

⁷ Guilford

⁸ fluency

⁹ elaboration

¹⁰ originality

¹¹ flexibility

تأثیر آموزش افزایش یافته و به ویژه توانایی ابتکار از جهش محسوسی برخوردار می‌شود (گوکارت، دانداتر و سایلو^۱، ۲۰۱۲).

باتستینی^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود میان خلاقیت و اثربخشی در مدارس ارتباط قوی به دست آورد. در این پژوهش، وی پیشنهاد می‌کند که حتماً از روش‌های خلاق آموزشی در مدارس استفاده شود. بریانت^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای، نقش مدرسان در فراهم آوردن محیط مثبت در کلاس درس، داشتن روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، فرصت و استقلال به فراگیران را از مهم‌ترین عوامل رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌داند. مناسب‌ترین بستر برای پرورش خلاقیت، نظام تعلیم و تربیت و در بطن آن مدرسه است (بریانت، ۲۰۱۰).

واژه‌ی بدیعه‌پردازی (Syntactic) متشکل از دو کلمه یونانی (syn) یعنی با هم آوردن و (tactic) به معنای عناصر متفاوت و در ظاهر بی‌ربط برای پرورش خلاقیت محسوب می‌شود و به عنوان یک الگوی یادگیری به تدریس تفکر استعاری مبادرت کرده، شاگردان را به ابداع مطالب خلاق ترغیب می‌کند و شیوه جالبی است که ویلیام جی جی گوردون^۴ (۱۹۶۱) برای ایجاد نوآوری تدوین کرده است (سلیگمن^۵، ۲۰۰۷).

در تعریف شیوه بدیعه‌پردازی آن را آشنایی‌زدایی^۶ نامیده‌اند یعنی فرد در این روش تلاش می‌نماید با دید تازه‌ای به مسائل و چیزهای آشنا بنگرد (آشیش^۷، ۲۰۱۰). بنابراین دو شیوه برای آموزش بر مبنای بدیعه‌پردازی وجود دارد: یکی خلق چیز جدید است که به فراگیران کمک می‌کند تا مسائل، نظریات یا فراورده‌های قدیمی را در پرتو خلاقیتی بیشتر و تازه‌تر ببینند؛ و روش دیگر، ناآشنا را آشنا ساختن که عقاید ناآشنا و جدیدتر را معنی‌دار می‌نماید (کاوویوتچا^۸، ۲۰۰۸). بدین ترتیب در روش بدیعه‌پردازی، مقایسه یک چیز یا فکر با چیز یا فکر

¹ Gokkurt, Dundatr, Soyulu

² Batastini

³ Bryant

⁴ William j j Gordon

⁵ Seligman

⁶ making the strange familiar

⁷ Açish

⁸ Kaveevivitcha

دیگر به وسیله استفاده یکی جای دیگری اتفاق می افتد و تفکر خلاق در خلال این جایگزینی‌ها ایجاد می گردد و با مطالب و امور نا آشنا ارتباط داده می شود یا فکر تازه‌ای را از افکار آشنا در ذهن به وجود می آورد (جویس^۱، ۲۰۰۹).

مهم ترین عنصر بدیعه پردازی استفاده از قیاس هاست. شاگردان در تمرینات درسی آنقدر با قیاس‌ها بازی می کنند تا استفاده از آن‌ها برایشان عادی شود. سپس از قیاس‌ها برای برخورد با مسائل و نظریات استفاده کنند. هدف اساسی نوآفرینی یا بدیعه پردازی شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راه‌های جدید برای حل مسائل می باشد (آلان و ریچاد^۲، ۲۰۰۹).

بنابراین شناسایی روش تدریس بدیعه پردازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود به دلیل ناشناخته ماندن و ناآگاهی معلمان از روش تدریس بدیعه پردازی به جای تأکید بر این روش تدریس و روش‌های فعال دیگر، بیشتر از روش‌های رایج و قدیمی در مدارس استفاده می شود. بنابراین شناختن روش تدریس بدیعه پردازی و درک اثربخشی آن بر یادگیری و یادداری افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود (یانگ، چانگ^۳، ۲۰۰۹).

موالم^۴ (۲۰۱۰) در تحقیق خود بیان داشته‌اند که دانش آموزان دوره متوسطه اغلب نمی توانند از دانش خود برای توضیح و پیش بینی پدیده‌ها استفاده کنند و این مشکل ناشی از این واقعیت است که آموزش‌های کلاسی فاقد راهبردهای کیفی مورد نیاز و دور از ابداع برای استدلال می باشد. نولان^۵ (۲۰۰۲) طی پژوهشی به این نتیجه رسید که استفاده از روش بدیعه پردازی به طور آشکار زمان مورد نیاز تدریس را کاهش می دهد و باعث توسعه کیفیت بازدهی و رضایت یادگیرندگان می شود.

جویس، مولی و پاتریکا^۶ (۲۰۰۶) طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که تدریس به شیوه بدیعه پردازی باعث ایجاد لذت و نشاط و همدلی در بین معلمان و یادگیرندگان و در

¹ Joyce

² Joyce

³ Yang, cheng

⁴ Maulem

⁵ Nolan

⁶ Joyce, Molly, Patricia

نتیجه افزایش خلاقیت می‌شود. بدیهی است متناوب با فرایند جهانی شدن نوع نگاه به آموزش و پرورش با آنچه در تفکر سنتی غالب است تفاوت دارد. آموزش و پرورش باید به فراگیران در ارتقای خود پرورشی از طریق خلاقیت، توانایی تصمیم‌گیری سریع، عادات آموزشی و خودآگاهی یاری رساند (فورد و سام^۱، ۲۰۱۰).

نتایج تحقیقات والکر^۲ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد روش‌های سنتی آموزش نه تنها باعث تداوم یاگیری نمی‌شود بلکه سبب از بین بردن خلاقیت نیز می‌گردد. در این پژوهش استفاده از روش تدریس بدیعه‌پردازی برای تدریس درس انگلیسی منجر به کسب دانش‌جديد از طریق اشتراك گذاری داستان‌ها و روایات فردی و قدرت بخشیدن به شرکت‌کنندگان در بیان مفاهیم درسی شد.

گانتر^۳ (۲۰۰۶)، به این نتیجه رسید که روش تدریس بدیعه‌پردازی باعث افزایش تفکر خلاق و نیز افزایش انگیزه یادگیرندگان می‌شود. ترینفنگر، سارتر و گروس^۴ (۲۰۰۷)، در تحقیق خود تحت عنوان میزان اثربخشی روش تدریس بدیعه‌پردازی که نمرات پس‌آزمون فصاحت، ابتکار، بسط و انعطاف به طور چشمگیری از نمرات پیش‌آزمون دانش‌آموزان در خلاقیت و پیشرفت تحصیلی بالاتر بوده است. ایساکسن، پاکینو و ترینفنگر^۵ (۲۰۰۸) طی پژوهشی این طور نتیجه گرفت که تفاوت قابل توجهی بین اثربخشی روش بدیعه‌پردازی و روش سنتی آموزش مهارت‌های زندگی در توسعه توانایی ذهن خلاق دانش‌آموزان وجود دارد.

نتایج تحقیقات درزی مندی و همکاران (۲۰۱۴) نیز حاکی از برتری روش تدریس بدیعه‌پردازی در افزایش میزان مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف‌پذیری) نسبت به روش تدریس سنتی در دانش‌آموزان داشت. با فرض اینکه والدین و مربیان از مهم‌ترین عوامل حمایت‌کننده بروز خلاقیت کودکان هستند، ضروری خواهد بود که برنامه آگاه‌سازی

¹ Ford, sam

² Walke

³ Gunter

⁴ Treffinger, Sortore, Crosss

⁵ Isaksen, Pacino, Treffinger

خانواده‌ها، معلمان و مسئولان آموزشی در این خصوص بااهمیت تلقی گردیده و شناخت شیوه‌های تقویت، بروز خلاقیت کودکان و نوجوانان مد نظر قرار گیرد. از آن جایی که محقق به عنوان معلم، به تدریس دانش آموزان مشغول بوده، به تجربه بر این امر واقف است که در مدارس، دروسی از جمله درس زبان انگلیسی به شیوه سنتی ارائه می‌شود و در نتیجه دانش آموزان منفعل بوده، تعامل اندکی وجود دارد و روح خلاقیت و استقلال دانش آموزان تقویت نمی‌شود. به همین خاطر این سؤال مطرح است که آیا روش بدیعه‌پردازی به عنوان یک روش فعال آموزشی، در پرورش خلاقیت دانش آموزان مؤثر است؟ لذا در همین راستا، این تحقیق در صدد است تحول ناشی از آموزش بر مبنای الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس زبان انگلیسی را مورد مطالعه قرار دهد و به بررسی فرضیه‌های زیر بپردازد:

۱. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
۲. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
۳. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.
۴. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر کل دانش آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه اول شهرستان سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۵ می‌باشند. جامعه مذکور دارای ۲۱۸۶ عضو بود که از بین آن‌ها ۶۴ نفر در قالب ۲ کلاس به صورت تصادفی خوشه‌ای

چند مرحله‌ای انتخاب شدند. انتخاب به این صورت بود که از فهرست مدارس متوسطه اول شهرستان، ۲ مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس پایه سوم به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. از این ۲ کلاس، ۳۲ دانش‌آموز در گروه آزمایش و ۳۲ نفر در گروه کنترل به صورت تصادفی گمارش شدند. هر دو گروه همزمان و قبل از دخالت متغیر مستقل بدیعه‌پردازی در زمینه خلاقیت مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند. در این پژوهش فرایند یادگیری را که مشاهده آن به طور مستقیم امکان‌پذیر نمی‌باشد و تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد را می‌توان متغیر مداخله‌گر این مطالعه به حساب آورد. از آنجا که متغیرهای تعدیل‌کننده جهت یا میزان رابطه میان متغیرهای وابسته و مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در این مطالعه هوش را می‌توان به عنوان متغیر تعدیل‌کننده محسوب کرد. هر چند کنترل تمام عوامل تهدیدکننده اعتبار یک پژوهش در علوم اجتماعی و تربیتی مشکل است ولی اقداماتی نظیر عامل آزمون، احتمال انتشار یا تقلید عمل گروه آزمایش و گروه کنترل برای حذف متغیرهای مزاحم به عمل آمده است. برای گروه آزمایش از آموزش بدیعه‌پردازی و برای گروه کنترل توسط معلم زبان انگلیسی، آموزش کتب مربوطه به روش متداول (سنتی)، طی ۱۲ جلسه تدریس شد. پژوهش از آبان ماه شروع شد و طول مدت اجرای پژوهش حدود ۳ ماه طول کشید و در هر هفته ۱ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای دانش‌آموزان تحت آموزش قرار گرفتند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، آزمون سنجش تفکر خلاق تورنس، فرم تصویری (ب) می‌باشد. همچنین استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی جهت شناسایی تأثیر آن بر پرورش خلاقیت می‌باشد. مجموعه آزمون‌های تورنس شامل ۱۲ آزمون است که به بخش‌های کلامی، تصویری، شنیداری، طبقه‌بندی شده‌اند و بدین ترتیب تفکر خلاق با واژه‌ها، تفکر خلاق با تصاویر و تفکر خلاق با صداها نامیده می‌شوند. اعتبار آزمون با روش آزمون مجدد بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ ذکر شده است (عابدی، ۲۰۰۲) و با روش تصنیف برای کل آزمون و با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای میزان خلاقیت کل ۰/۷۸ گزارش شده است. پس از اتمام جلسات در هر دو گروه پس‌آزمون باورهای هوشی و یادگیری خودتنظیم اجرا شد.

داده‌ها با استفاده از آماره‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و آزمون تحلیل واریانس و به کمک نرم‌افزار SPSS21، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. نتایج آزمون پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیرها

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		شاخص‌های آماری	متغیرها
آزمایش	کنترل	آزمایش	کنترل		
۱۵/۶۷	۱۴/۲۵	۱۲/۷۷	۱۳/۶۷	میانگین	سیالی
۳/۲۶	۳/۶۵	۴/۷۹	۳/۵۷	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۳/۴۳	۳/۱۹	۳	۳/۱۰	میانگین	ابتکار
۰/۲۹۱	۰/۳۳۹	۰/۴۱۱	۰/۳۳۷	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۶/۵۲	۴/۰۸	۴/۵۱	۴/۹۰	میانگین	بسط
۰/۳۷۵	۱/۴۹	۱/۵۸	۱/۶۲	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	
۶/۴۹	۴/۰۵	۴/۴۹	۴/۸۸	میانگین	انعطاف‌پذیری
۰/۳۷۰	۱/۴۶	۱/۵۵	۱/۵۹	انحراف معیار	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	تعداد	

باتوجه به داده‌های جدول شماره ۱، تفاوت میانگین نمرات میزان خرده مقیاس‌های خلاقیت (سیالی، ابتکاری، بسط، انعطاف‌پذیری) را قبل و پس از آموزش نشان می‌دهد بنابراین می‌توان استدلال کرد گروه آزمایشی که تحت تأثیر آموزش بدیعه‌پردازی بوده‌اند نمرات پس‌آزمونشان در مقایسه با پیش‌آزمون تغییر پیدا کرده است.

در انجام آزمون کوواریانس لازم است مفروضات آنالیز بررسی شود، که فرض نرمال بودن متغیر وابسته با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف تأیید شود.

جدول ۲. آزمون بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره کولموگروف	سطح معنی‌داری
قابلیت سیالی تفکر	۶۴	۱۴/۲۲	۳/۶۰	۰/۱۱۳	۰/۰۷۴
ابتکار تفکر	۶۴	۱۸/۹۸	۴/۹۳	۰/۱۶۲	۰/۰۷۳
بسط تفکر	۶۴	۱۹/۸۴	۶/۲۷	۰/۱۳۸	۰/۶۳
انعطاف‌پذیری تفکر	۶۴	۱۳/۳۵	۳/۵۹	۰/۲۰۹	۰/۱۵۷

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲، سطح معناداری تمامی داده‌های به دست آمده از آزمون‌ها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها در مورد تمامی داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. لذا داده‌های پژوهش دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۳. نتایج بررسی همگنی شیب‌های رگرسیونی در پس خلاقیت دو گروه

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
پیش‌آزمون	۸۳۲/۸۴	۱	۸۳۲/۸۴	۱۳/۹	۰/۰۰۰
گروه پیش‌آزمون	۲/۱۲	۱	۲/۱۲	۰/۳۵	۰/۸۵۱
خطا	۳۵۹۴/۱۱	۶۰	۵۹/۹		
مجموع	۳۳۸۰۳۳	۶۴			

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تعامل بین گروه و پیش‌آزمون خلاقیت معنادار نیست. به عبارت دیگر داده‌ها از فرض همگنی شیب‌های رگرسیونی پشتیبانی می‌کند (Sig=۰/۸۵۱، F=۰/۰۳۵).

جدول ۴. نتایج آزمون لون بررسی فرض همگنی واریانس‌های سطح دانش دو گروه در پس‌آزمون

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F مقدار
۰/۷۶۸	۶۲	۱	۰/۰۸۵

بررسی فرض همگنی واریانس‌ها بر اساس آزمون لون (جدول ۴) نیز نشان دهنده‌ی آن است که فرض همگنی واریانس‌ها برای پس‌آزمون دو گروه برقرار است (F=۰/۰۸۵، Sig=۰/۷۶۸). لذا با برقراری پیش‌فرض‌های لازم، استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مجاز است.

فرضیه ۱. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای تأثیر روش بدیعه‌پردازی بر رشد سیال تفکر

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
همپراش	۴/۷۱۶	۱	۴/۷۱۶	۸۱/۹۵۹	۰/۰۰۰
گروه	۶/۷۸۴	۲	۳/۳۹۲	۵۸/۹۴۹	۰/۰۰۰
خطا	۲/۱۲۹	۳۷	۰/۰۵۸		
کل	۳۷۴/۲۱۸	۴۰			

با توجه به نتایج جدول ۵ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه اول اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه‌پردازی با سطح معناداری ($Sig=0/000$) و ($F=58/949$) مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر زمانی که اثر پیش‌آزمون از روی نتایج مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها (کنترل و آزمایش) در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت سیال تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p < 0/05$).

فرضیه ۲. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای تأثیر روش بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
همپراش	۱۲۷/۸۸۵	۱	۱۲۷/۸۸۵	۱۸۴/۰۵۴	۰/۰۰۰
گروه	۱۹۵/۱۶۲	۲	۹۷/۵۸۱	۱۴۰/۴۴۰	۰/۰۰۰
خطا	۲۵/۷۰۹	۳۷	۰/۶۹۵		
کل	۹۹۰/۷۱۶	۴۰			

با توجه به نتایج جدول ۶ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه اول اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار با سطح معناداری ($Sig=0/000$) و ($F=140/440$) مورد تأیید قرار می‌گیرد ($p<0/05$).

فرضیه ۳. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت بسط تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه سوم برای تأثیر روش بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
همپراش	۱۱/۳۰۳	۱	۱۱/۳۰۳	۷/۲۹۸	۰/۰۰۹
گروه	۱۳۳۷/۶۵۶	۲	۶۶۸/۸۲۸	۴۳۱/۸۵۹	۰/۰۰۰
خطا	۸۸/۲۷۷	۵۷	۱/۵۴۹		
کل	۲۳۰۱۰/۰۰۰	۶۰			

با توجه به نتایج جدول ۷ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه دوم اثر معنادار کاربرد روش تدریس بدیعه‌پردازی با سطح معناداری ($Sig=0/000$) و ($F=431/859$) مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت ابتکار تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p<0/05$).

فرضیه ۴. استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است.

جدول ۸. نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه چهارم برای تأثیر روش بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
همپراش (پیش‌آزمون)	۹۳/۷۵۵	۱	۹۳/۷۵۵	۲۴/۶۷۸	۰/۰۰۰
گروه	۲۸۸۴/۴۳۳	۲	۱۴۴۲/۲۱۷	۳۷۹/۶۱۸	۰/۰۰۰
خطا	۲۱۶/۵۵۰	۵۷	۳/۷۹۹		
کل	۲۶۶۶۳/۰۰۰	۶۰			

با توجه به نتایج جدول ۸ و تحلیل کوواریانس آزمون فرضیه سوم اثر معنادار کاربرد روش تدریس با سطح معناداری ($\text{Sig}=0/000$) و ($F=379/618$) مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر زمانی که اثر پیش آزمون از روی نتایج مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها (کنترل و آزمایش) در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در رشد قابلیت انعطاف‌پذیری تفکر دانش‌آموزان مؤثرتر از روش آموزش سنتی در درس زبان انگلیسی است ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثرات الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی و مقایسه آن با الگوی تدریس سنتی انجام گرفته است. با بررسی نمرات پیش آزمون آشکار شد که میان نمرات دو گروه گواه و آزمایش در ابتدا از لحاظ خلاقیت تفاوت معناداری وجود نداشت اما پس از گذراندن دوره آموزشی بدیعه‌پردازی به مدت ۱۲ جلسه و اجرای پس آزمون و مقایسه نتایج آن با نتایج حاصل از پیش آزمون مشخص گردید که میان نمرات دو گروه گواه و آزمایش در آزمون خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات افرادی همچون موالم (۲۰۱۰)؛ نولان (۲۰۰۲)؛ سام (۲۰۱۰)؛ پاتریکا (۲۰۰۶)؛ والکر (۲۰۰۹)؛ همخوانی دارد. تمام پژوهش‌های مذکور به این نتیجه دست یافته‌اند که تأثیر روش بدیعه‌پردازی بر خلاقیت معنادار است و با استفاده از این روش می‌توان خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش داد. در تبیین نتایج این تحقیقات می‌توان گفت: در کلاس‌های خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم تعادل بین امنیت روانی و آزادی برقرار می‌سازد تا دانش‌آموزان بتوانند ریسک کنند. معلم هدایت‌گر و تسهیل‌کننده است در حالی که در کلاس درس غیرخلاق، معلم مقتدر است و سخت در بند زمان، غیرحساس به نیازهای احساسی دانش‌آموزان، مقید به نظم و دادن اطلاعات است. بنابراین روش بدیعه‌پردازی بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر بیشتری نسبت به روش سنتی گذاشته است. شیوه‌های آموزشی و یاددهی با رشد خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد. معلم می‌تواند با ایجاد موقعیت‌های

پویا و برانگیزاننده در یادگیری، دانش‌آموزان را یاری کند تا با توجه به علائق و توانایی‌های خویش دست به تجربه و یادگیری بزنند و بدین ترتیب زمینه لازم برای ظهور خلاقیت را در آن‌ها فراهم نمود. گلیفورد (۱۹۶۷) چهار عنصر را برای خلاقیت برشمرده است که ماهیتی آموزشی دارند: سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط. عنصر سیالی به کمیت یا تعداد ایده‌ها، انعطاف‌پذیری به تنوع و گوناگونی ایده‌ها، ابتکار به منحصر به فرد بودن یا غیر معمولی بودن ایده‌ها و بسط به جزئیات ایده‌ها مربوط می‌شود. مرور پژوهش‌های خلاقیت نیز بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود (یعنی سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط) تحت تأثیر آموزش افزایش یافته و به ویژه توانایی ابتکار از جهش محسوسی برخوردار می‌شود (گوکارت، داندارت و سویلو، ۲۰۱۲). بهره‌گیری از این شیوه آموزشی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا پاسخ و ایده‌های فراوانی در ارتباط با موضوع جدید که احیاناً ممکن است با آن برخورد نداشته باشند از خود بروز دهند. لذا به همین علت دانش‌آموزان گروه آزمایش از نظر سیالیت، وضعیت مطلوب‌تری نسبت به گروه کنترل داشتند. از این رو در شیوه‌های سنتی تدرسی که معلم محور است و فراگیران ظروف خالی محسوب می‌شوند که معلم وظیفه دارد مطالب را به طور یک طرفه به آن‌ها انتقال دهد و شاگردان جرأت حرف زدن را ندارند، نمی‌توان انتظار ابتکار داشت. بنابراین می‌توان ادعا کرد که تدریس طبق الگوی بدیعه‌پردازی باعث افزایش قابلیت ابتکار به پاسخ‌ها، ایده‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان می‌شود، به عبارت دیگر بهره‌گیری از این الگوی تدریس، زمینه را برای بروز ایده‌های ابتکاری دانش‌آموزان فراهم می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که بهره‌گیری از الگوی بدیعه‌پردازی می‌تواند این را در دانش‌آموزان رشد دهد که در برخورد با مسایل و مشکلات هنگامی که تغییر شکل داده یا از بعد دیگری مطرح می‌گردند، جهت فکر خود را تغییر داده و با مسأله همسو شوند. این موضوع برخلاف نظر و عمل تعداد زیادی از مریبان است. چرا که بسیاری از معلمان همواره شاگردان را تشویق می‌کنند تا سؤال‌ها را عیناً همانند متن کتاب پاسخ داده و به همان الگوهای پیش‌بینی شده توجه نمایند. نتیجه این روش رشد دانش‌آموزان قالبی و غیر قابل انعطاف است که به این مهم بایستی با توجهات لازم و آموزش‌های مناسب مریبان، معمان و دست‌اندرکاران تعلیم و

تربیت توجه خاص مبذول گردد. از مجموع یافته‌ها و موارد ارائه شده در بحث این مطالعه، نتیجه‌گیری می‌شود که استفاده از روش بدیعه‌پردازی در رشد خلاقیت می‌شود و به معلمین کمک می‌کند بتوانند با استفاده مناسب از انواع روش تدریس فعال موجب رشد قوه تفکر، خلاقیت، اعتماد به نفس، روحیه کاوشگری ذهن دانش‌آموز شوند و با تأکید بر رویکردهای مبتنی بر آموزش مناسب در راستای تحقق اهداف کلیدی این درس، گام‌های موثرتری بردارند. با توجه به اهمیت روش تدریس بدیعه‌پردازی و اثربخشی آن بر ارتقای متغیرهای مورد بررسی، آموزش روش تدریس بدیعه‌پردازی به صورت کارگاهی و دوره‌های ضمن خدمت برای معلمین به منظور بهبود خلاقیت بهتر دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌گردد.

منابع

درزی رامندی، هادی، علیرضا عصاره و جمشید جراره، (۱۳۹۳)، تأثیر تدریس به روش بدیعه‌پردازی بر افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی درس تعلیمات اجتماعی، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲ (۱۵).

- Allan, G. & Richard, K. (2009). *using analogies in middle and secondary science classrooms: the FAR guide-an interesting way to teach with analogies*. Thousand Oaks, CA : Corwin Press.
- Albrecht, K. & Albrecht, S. (1987). *The creative corporation*. Homewood: Illinois, Dow Jonas Irwin.
- Batastini, S. D. (2012). *The relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. Dissertation Abstract International section A: Humanities and social science*, 62.
- Bryant, C. (2010). *Creativity and Technology. Evaluative Art Educating*, 63 (2) : 43-48.
- Costello, T. M. (2008). *Hume's phenomenology of the imagination. The Journal of Scottish Philosophy*, 5 (1) , 31-25. Retrieved May 20, 2008, from Academic Search Complete database.
- Ford, sam, A. (2010). *Factor leading to innovation: study of manager's Perspective factor creativity research. Journal of creativity*, No 23, PP: 34-87.

- Gokkurt, B., Donator, S., Solo, Y. (2012). *The effects of learning together Technique which is based on cooperative Learning on student's achievement in mathematics class.*
- Gordon, W. J. J. (1961). *synaptic*. New York: Harper & Row.
- Gunter, M.A., Estes H.H.& Schwab , J. (n.d). *Instruction ; a models approach. cited in Instructional Models*. Retrieved 2/28/2006 form
- Isaksen , S.G., Pacino , G. J & Treffinger , D. J. (2008) An ecological approach to creativity research : profiling for creative problem solving. *Journal of Creative Behavior*, 27, 149-170.
- Joyce, L.P, Molly, A.R and Patricia, C.V. (2006). Empathic learning: An innovative teaching strategy to improve attitudes toward caring for persons with HIV/AIDS, *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, V6. 13, pages 19-22.
- Kaveevivitchai, Chularuk. (2008). *Enhancing nursing studs skills in vital signs assessment by using multimedia computer-assisted learning with integrated content of anatomy and Physiologic.*
- Mualem, R. (2010). Successful Problem Solving. *Journal of Research in Science Teaching*, 47 (9) , 1094- 1115.
- Nolan, V. (2002). Whatever Happened to Synaptic? *Certainty and innovation Management*, V 12. N/24-28. Surmount and teaching of creativity. In H. O'Neil & M. Drillings (Eds.). *Motivation: Theory and research*, (pp. 245-263). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Runco, Mark. A. (1999). *Tactics and strategies for creativity, encyclopedia of creativity*, volume2, academic press.
- Seligman, E. R. (2007). *Reaching Students Through Synaptic: A Creative Solution's*: University of Northern Colorado.
- Treffinger, D. J., Sorter, Mr. & Cross, J.C. (2007). *Dimensions of Creativity, center of Creative Learning*, Sarasota Publication.
- Torrance, E. P., & Goff, K. (1986). A quiet revolution. *Journal of Creative Behavior*, 23, 136-145. of SID.
- Walker, D.E. (2009). *Promoting Metaphorical Thinking Through Synaptic: Developing. Deep thinking utilizing abstractions*. Bloomsburg University of Pennsylvania.
- Yang heng-li, cheng.hsiu-hua. (2009). creative self-efficacy and its factors: an empirical study of information system analysts and programmers. *Computers in human behavior*. 25 (2009) 429-438.